مردی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم از خیالاتی که در نماز با آنها مواجه می شد و احساس شکستن وضو به وی دست می داد، شکایت نمود؛ پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «لا يَنْصَرِفُ حَتَّى يَسْمَعَ صَوْتاً، أَوْ يَجِدَ رِيحاً»: «در این حالت نمازش را قطع نکند تا اینکه صدایی بشنود یا بویی احساس کند».

از عبدالله بن زید بن عاصم مازنی رضی الله عنه روایت است که می گوید: مردی نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم از خیالاتی که در نماز با آنها مواجه می شد و احساس شکستن وضو به وی دست می داد، شکایت نمود؛ پس رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «لا يَنْصَرِفُ حَتَّى يَسْمَعَ صَوْتاً، أَوْ يَجِدَ رِيحاً»: «در این حالت نمازش را قطع نکند تا اینکه صدایی بشنود یا بویی احساس کند».

[صحیح است] [متفق علیه]

چنانکه امام نووی رحمه الله می گوید، این حدیث یکی از اصول و قواعد عمومی در اسلام است که مبنای احکام زیاد و بزرگی می باشد؛ و آن اینکه: اصل، بقای موارد یقینی بر حکم شان می باشد؛ چنانکه به مجرد شک و گمان از آنها صرف نظر نمی شود؛ فرقی نمی کند این شک و تردیدها قوی باشند یا ضعیف؛ مادامی که به درجه ی یقین یا ظن غالب نرسند، بر حکم خود باقی هستند. مثال ها در این زمینه بسیارند و بر کسی پوشیده نیست؛ از جمله همین حدیث؛ بنابراین مادامی که انسان به طهارت داشتن خود یقین دارد، اگر در مورد بی وضو شدن خود شک کند، اصل بر بقای طهارت می باشد. بر عکس، کسی که یقین داشته باشد بی وضو است و در طهارت داشتن خود شک کند، اصل بقای بی وضویی وی می باشد. در مورد لباس ها و مکان ها هم این قاعده جاری است. اصل در آنها پاک بودن شان است مگر اینکه در مورد نجس بودن آنها یقین حاصل گردد؛ و از این دسته است تعداد رکعات در نماز؛ به عنوان مثال کسی که یقین داشته باشد سه رکعت خوانده است و در مورد خواندن و نخواندن رکعت چهارم دچار شک و تردید شود، اصل نخواندن آن است و لازم است رکعت چهارم را بخواند؛ همچنین کسی که در طلاق دادن یا ندادن همسرش دچار تردید باشد، اصل بقای نکاح می باشد؛ و این قاعده در مسایل زیادی به همین ترتیب جریان دارد.

http://www.sunnah.global/hadeeth/fa/show/3064